

حضرت زهرا علیها السلام و روایت حدیث

(در منابع اهل سنت)

نهله غروی نائینی*

چکیده

فاطمه علیها السلام یکی از چهارده مطهر مورد نظر در آیه شریفه ۲۳ سوره احزاب است که بر اساس اصطلاح محدثان، قول و فعل و تقریر آن حضرت علیها السلام، حدیث محسوب می‌شود.

گرچه پس از رحلت رسول الله ﷺ اهل بیت آن حضرت مورد کم توجهی و بی‌لطفی مردم مدینه قرار گرفتند و در طول تاریخ خلفا به حذف نام علی بن ابی طالب علیها السلام و خانواده‌اش همت گماشتند و علیه ایشان تبلیغات کردند و حق آن‌ها را غصب و ایشان را شهید کردند، لکن هنوز نشانه‌ها و نمونه‌هایی از فرمایشات و عملکردهای آن بزرگواران در منابع اهل سنت یافت می‌شود. این مقاله با تمرکز بر منابع حدیثی اهل سنت به احادیثی که حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده و یا دیگران از فاطمه علیها السلام درباره قول و فعل و تقریر آن حضرت علیها السلام نقل کرده‌اند، پرداخته است که گویای تنوع موضوعات می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فاطمه علیها السلام، زهرا علیها السلام، حدیث.

مقدمه

«حدیث» در اصطلاح محدثان، به معنای قول و فعل و تقریر معصوم است. حضرت زهرا علیها السلام به شهادت آیه «تَطْهِير» ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳) و فرمایش های رسول اکرم صلی الله علیه و آله که نقل شده است پس از نزول آیه مزبور، هر روز صبح که برای نماز به مسجد تشریف می بردند، هنگامی که از کنار خانه فاطمه زهرا علیها السلام می گذشتند، اهل آن خانه را با تلاوت این آیه برای انجام فریضه نماز مورد خطاب قرار می دادند،^(۱) مشمول این آیه مبارکه است.

یکی از چهارده معصوم نزد حق تعالی و مسلمانان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. بنابراین، گفته های آن بزرگوار، شرح افعال و کردار آن حضرت، حدیث تلقی می شوند. این مقاله کوشیده است تا احادیثی از فرمایش های آن بانوی بزرگوار را، که در منابع اهل سنت نقل شده اند، گرد آورد. تحقیقات کامپیوتری در زمینه بررسی از احادیث نقل شده از حضرت زهرا علیها السلام در مجامع حدیثی اهل سنت و کتاب معجم کبیر طبرانی آمده است. تعدادی از آن ها توسط راوی آن حضرت به گونه مستقیم و برخی به صورت مرسل نقل شده است که در این مقاله، در دو بخش احادیث «مسند» و احادیث «مرسل» ارائه شده اند.

نکته مورد توجه اینکه طبرانی در بخش احادیث حضرت فاطمه علیها السلام، ابتدا راویان مرد را ذکر کرده، سپس از راویان زن حدیث جمع آوری کرده است. ترتیب نام راویان مرد از حضرت زهرا علیها السلام چنین است: علی بن ابی طالب، عبدالله بن مسعود، حسین بن علی، عبدالله بن عباس و انس بن مالک. اما اینکه چرا ترتیب خاصی در نظر نگرفته، قابل توجه است.

۱. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۵۸.

احادیث مسند

احادیثی را که به صورت مستقیم از فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده‌اند یا راوی خود شاهد فعل یا فرموده آن حضرت بوده احادیث «مسند» می‌خوانیم. موضوعات این احادیث عبارتند از:

۱. بیان وظیفه مردان

حسین بن علی علیهما السلام فرمود: شنیدم فاطمه بنت محمد علیها السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الرجلُ أحقُّ بِصدرِ دابته و صدرِ فراشه و الصلاةِ فی منزله إلا اماماً یجمعُ الناسَ علیه»؛ مرد سزاوارتر است که بر مرکب خود سوار شود و بر بستر خود قرار گیرد و نماز را در منزل خویش بجا آورد، مگر اینکه پیشوایی مردم را به خود بخواند (که در این صورت، وظیفه دارد برود). نعمان^(۱) گفت: «صدقت بنتُ محمدٍ رسولِ الله سمعتُ أبی بشیراً یقولُ كما قالت فاطمةٌ و قال رسولُ الله: إلا من أذن»؛^(۲) دختر محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله درست گفت. شنیدم پدرم بشیر همین‌گونه می‌گفت که فاطمه علیها السلام فرمود، و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مگر کسی که اجازه داده شده است.

۲. فاطمه علیها السلام و فرزندان

- اسماء بنت عمیس از فاطمه زهرا علیها السلام نقل می‌کند که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد او آمد و فرمود: پسرانم (یعنی: حسن و حسین) کجایند؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «أصبحنا و لیس فی بیتنا شیءٌ یدؤقه ذائقٌ. فقال علی: أذهب بهما فإنی أتخوفُ أن یشکیا علیک و لیس عندک شیءٌ، فذهب إلى فلان اليهودی»؛ صبح که بیدار شدیم، چیزی برای

۱. نعمان بن بشیر، از اصحاب امام حسین علیه السلام.

۲. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، ج ۲۲،

(حتی) چشیدن نداشتیم. علی علیه السلام فرمود: آن‌ها را می‌برم، می‌ترسم نزد تو (بمانند) گریه کنند، در حالی که چیزی برای خوردن نیست. نزد فلان یهودی رفت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی آن‌ها رفت و آن‌ها را دید که در آبی بازی می‌کنند و نزد آن‌ها مقدار زیادی خرما بود. فرمود: «یا علی، ألا تغلب ابنتی قبل أن یشتدَّ علیهما الحر؟» ای علی، نمی‌خواهی پیش از آنکه گرما بر آن‌ها مستولی شود، آن‌ها را برگردانی؟ علی علیه السلام فرمود: «أصبحنا و لیس فی بیتنا شیء، فلو جلسنا یا نبی اللہ حتی أجمع لفاطمة تمرات، فجلس النبی صلی الله علیه و آله حتی اجتمع لفاطمة شیء من تمر، فجعلته فی صرته، ثم أقبل، فحمل النبی صلی الله علیه و آله أحدهما و علی الآخر حتی أقلبها»؛^(۱) صبح در منزل چیزی برای خوردن نداشتیم. اگر شما، ای پیامبر خدا! بنشینید (تأمل کنید) برای فاطمه مقداری خرما جمع می‌کنم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله نشست تا مقداری خرما برای فاطمه جمع کرد و آن را در سیدش گذاشت. سپس رو به سوی منزل آمدند، پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از بچه‌ها را بغل کرد و علی دیگری را، تا نزد فاطمه علیها السلام رسیدند.

- زینب، دختر ابورافع، نقل می‌کند که حضرت فاطمه علیها السلام در حال بیماری‌اش که در آن از دنیا رفت با حسن و حسین علیهما السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و گفت: «یا رسول الله، هذان ابناک فوّرتهما شیئا، فقال: أما الحسنُ فله هیبتی و سؤدی، و أما حسینُ فله جُرأتی و جودی»؛^(۲) ای پیامبر خدا، این دو پسران شما هستند، پس چیزی به آن‌ها به یادگار بده. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: به حسن هیبت و بزرگی‌ام را عطا کردم و به حسین، شهامت و بخششم را.

- ابوسعید خدری نقل کرده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شد، در حالی که حضرت علی علیه السلام در خواب بود و حضرت فاطمه بر زمین دراز کشیده بود و دو پسرش هم در کنارش بودند. حسن علیه السلام آب خواست، پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. همان، ص ۴۲۳.

۲. همان.

برخواست و برایش تهیه کرد و به او داد. حسین علیه السلام نیز طلب آب کرد و خواست که قبل از حسن علیه السلام آب بنوشد و گریه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنْ أَخَاكَ اسْتَسْقَى قَبْلَكَ»؛ برادرت قبل از تو آب خواست. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «كَأَنَّ الْحَسْنَ أَثَرٌ عِنْدَكَ»؛ گویا حسن برایت مهم تر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا هُوَ بِأَثَرٍ عِنْدِي مِنْهُ وَإِنَّهُمَا عِنْدِي بِمَنْزِلَةٍ وَإِنِّي وَإِيَّاكَ وَهَذَا النَّائِمُ لَفِي مَكَانٍ وَاحِدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ او برای من مهم تر نیست. هر دوی آن‌ها برایم یکسانند. من و این دو و تو و این خفته (یعنی: علی علیه السلام) روز قیامت در یک جا خواهیم بود. (۱)

- احمد بن حنبل به سند خود از ابن ابی ملیکه نقل می‌کند که گفت: فاطمه علیها السلام فرزندش حسن بن علی علیه السلام را می‌چرخاند و می‌فرمود: «بابِي شَبَهَ النَّبِيِّ، لَيْسَ شَبِيهَاً بَعْلِيَّ»؛ (۲) پدرم فدای آنکه شبیه پیامبر است و شباهتی به علی علیه السلام ندارد.
- هیشمی با اسناد خود نقل می‌کند که فاطمه کبری علیها السلام فرمود: «قَالَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: كُلُّ بَنِي أُمَّ يَنْتَمُونَ إِلَى عَصِيَّةِ الْأَبِّ وَوَلَدُ فَاطِمَةَ فَأَنَا وَلِيَهُمْ وَأَنَا عَصَبَتُهُمْ»؛ (۳) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر فرزندی مادری دارد که فرزند به او روی می‌آورد و برمی‌گردد (ریشه و پی اوست)، غیر از فرزندان فاطمه که من سرپرست آن‌ها و عصبه آن‌ها هستم؛ یعنی ریشه و اصلشان به من بازمی‌گردد.

۳. حجاب و عفت حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت علی علیه السلام فرمود: مرد کوری اجازه ورود بر فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله خواست. حضرت فاطمه حجاب خود را برگرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: چرا در حجاب شدی، او که تو را نمی‌بیند؟ فاطمه علیها السلام گفت: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنَا أَرَاهُ وَهُوَ يَسْمَعُ

۱. علی بن ابی بکر هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مصر، ج ۹، ص ۱۷۱.

۲. احمد بن حنبل شیبانی، مسند، مصر، ج ۶، ص ۲۸۳.

۳. علی بن ابی بکر هیشمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۷۲.

الریخ»؛ ای پیامبر خدا، اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و بوی او را استشمام می کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ بِضَعَةٍ مِنِّي»؛^(۱) حقا که تو پاره تن من هستی.

۴. فاطمه زهرا علیها السلام در سوگ پیامبر صلی الله علیه و آله

- عایشه نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه من مورد شکایت قرار گرفت. فاطمه به سوی او آمد - قسم به آنکه جان عایشه در دست اوست - راه رفتنش مانند راه رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله با او رازی را در میان گذاشت که فاطمه گریه کرد، سپس چیزی به او گفت که فاطمه علیها السلام خندید. گفتم: مانند امروز ندیده بودم که خنده و گریه این قدر به هم نزدیک باشند. گفتم: فاطمه! به من بگو که (پیامبر) چه چیزی به تو گفت؟ فرمود: «مَا كُنْتُ أَفْعَلُ»؛^(۲) این کار را نمی کنم. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله رحلت نمود، از او (فاطمه) همان سؤال را کردم، گفت: حالا پاسخ می دهم: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنَّ جَبْرِئِلَ كَانَ يُعَارِضُنِي الْقُرْآنَ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِوَةً، وَإِنَّهُ عَارِضُنِي الْعَامَ مِرَّتَيْنِ، وَلَا أَرَى ذَلِكَ إِلَّا عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِي فَاتَّقَى اللَّهُ وَاصْبِرِي فَنِعَمَ السَّلْفِ أَنَا لَكَ. فَبِكَيْتُ، ثُمَّ سَارَنِي فَقَالَ: أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ قَالَ: نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؟ فَضَحِكْتُ»؛^(۳) پیامبر فرمود: جبرئیل هر سال قرآن را یک بار بر من عرضه می کرد، امسال دو بار عرضه کرد، و این نیست جز آنکه نشانه نزدیک بودن اجلم می باشد. پس تقوای الهی پیشه کن و صبر نما. من سابقه خوبی برای تو هستم. (فاطمه علیها السلام می فرماید:) پس گریه کردم. سپس رو به من کرد و فرمود: آیا راضی نیستی که سرور زنان با ایمان باشی؟ یا فرمود: سرور زنان این امت باشی؟ پس خندیدم.

- ام سلمه نقل می کند که پیامبر پس از فتح (فتح مکه) فاطمه علیها السلام را صدا کرد و با او

۱. ابن مغازلی، مناقب، ص ۳۸۰.

۲. در حدیث دیگری از عایشه با سند دیگر، نظیر همین حدیث آمده است که فاطمه علیها السلام فرمود: «راز رسول

خدا را فاش نمی کنم».

۳. همان، ص ۴۲۱، ۴۱۷. نظیر این حدیث را نک. در: محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۶.

نجوا نمود. او گریه کرد، سپس به او چیزی گفت و او خندید. اُمّ سلمه می گوید: از او چیزی نرسیدم تا پیامبر رحلت نمود. پس از آن از فاطمه درباره گریه و خنده اش سؤال کردم، «أخبرنی أنّه يموت، ثم أخبرنی أنّی سیده نساء أهل الجنة بعدَ مریم بنتِ عمران، فلذلك ضحكك»؛^(۱) به من خبر داد که می میرد، سپس خبر داد که من پس از مریم دختر عمران، سرور زنان بهشت ام. به این خاطر خندیدم.

- انس از حضرت فاطمه علیها السلام نقل می کند که فرمود: «یا أنس کیف طابت أنفسکم أن تحثوا علی رسولِ الله صلی الله علیه و آله التراب، و ابتاه من ربّه ما أدناه، و ابتاه جنة الفردوس مأواه، و ابتاه الی جبریل تنعاه، و ابتاه أجابَ ریباً دعاه»؛^(۲) ای انس، چگونه توانستی بر پیامبر صلی الله علیه و آله خاک بریزی؟ ای پدر، چقدر به پروردگار نزدیک هستی! ای پدر، بهشت جایگاه توست! ای پدر، خبر رحلت را به جبرئیل دادند! ای پدر، پروردگار دعایت را اجابت کرد!

- ابن عبد ربّه در کتابش آورده است که فاطمه علیها السلام بر مزار پدر ایستاد و گفت:

إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدَ الارضِ و ابلها
فلیتَ قبلکَ کانَ الموتُ صافنا
و غابَ منذَ غبتَ عَنَّا الوحی و الکتبُ
لما نعت و حالت دونک الکتبُ.^(۳)

- ابن ابی الحدید نیز می نویسد که افراد زیادی گریه و عزادری حضرت فاطمه علیها السلام را در زمان رحلت پدرش و پس از آن چنین نقل کرده اند: «یا ابتاه جنة الخلدِ مثواه، یا ابتاه عندَ ذی العرشِ مأواه، یا ابتاه کانَ جبریلُ یغشاه، یا ابتاه لستُ بعدَ الیومِ أراه»؛^(۴) ای پدر، بهشت جاودان سرایت! ای پدر، نزد صاحب عرش مأویت! ای پدر، جبریل تو را دربرگرفت! ای پدر، پس از امروز تو را نخواهم دید.

۱. همان، ص ۴۲۲ / محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، سنن ترمذی، مصر، ۱۳۵۸، ج ۵، ص ۷۰۱.
۲. همان، ص ۴۱۷ / و نیز نک: محمد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج ۶، ص ۱۸ / علی بن احمد نسائی، سنن نسائی، قاهره، ۱۳۴۸، ج ۴، ص ۱۲.

۳. ابن عبد ربّه (احمد بن محمد)، عقد الفرید، مصر، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۲۸.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۴۳.

- علی بن علی هلالی از پدرش نقل می‌کند که گفت: بر رسول خدا ﷺ وارد شدم، در حالی که آن حضرت در شرایطی بود که رحلت فرمود. فاطمه علیها السلام بالای سر آن حضرت بود و گریه می‌کرد، به گونه‌ای که صدایش بلند شد. پیامبر رو به او فرمود: «حبیبتی فاطمه! مَا الَّذِي يُبْكِيكِ؟»؛ عزیزم فاطمه! چه چیزی تو را به گریه انداخت؟ گفت: «أَخَشَى الضَّيْعَةَ بَعْدَكَ»، از سختی و تنگی (زندگی) پس از شما می‌ترسم. پیامبر فرمود: «یا حبیبتی أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - إِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ...»؛ عزیزم! آیا نمی‌دانی که خدای عزوجل به اهل زمین خبر داد که ... در این فرمایش، رسول الله ﷺ با بشارت‌هایی حضرت فاطمه علیها السلام را دل‌داری داد. (۱)

- انس بن مالک نقل می‌کند که حضرت فاطمه علیها السلام نزد رسول الله ﷺ نشستند بود، در حالی که سختی و شدت مرگ بر آن حضرت بیشتر می‌شد، آن حضرت سرش را بلند کرد و فرمود: «واکرباه، فبکت فاطمة و قالت: واکرباهُ لکربیک یا أبتاه»؛ وای از سختی! و فاطمه علیها السلام عرض کرد: وای از سختی به خاطر سختی تو، ای پدر! رسول خدا ﷺ فرمود: «لاکرب علی أبیک بعدَ الیوم»؛ (۲) پس از امروز، دیگر بر پدرت سختی نیست.

۵. طلب میراث پدر

- بخاری در کتاب صحیح، به سند خود از عایشه دختر ابابکر، همسر رسول الله ﷺ، نقل می‌کند که گفت: فاطمه دختر رسول خدا ﷺ پس از رحلت آن حضرت از ابوبکر خواست تا میراث او را از مایملک رسول الله ﷺ، که بر جای مانده است، بدهد. ابوبکر پاسخ داد: پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا تُورَثُ، مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةً»؛ ما پیامبران ارثی باقی نمی‌گذاریم؛ آنچه می‌ماند صدقه است.

۱. ر.ک: علی بن ابی بکر هثمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۶۵.

۲. ابن عبد ربّه، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۰.

پس فاطمه غضب کرد و از ابوبکر دوری جست. عایشه گفت: فاطمه از ابوبکر سهمش را از میراث رسول خدا از خیبر، فدک و صدقه آن حضرت برای مدینه طلب کرد.^(۱)

- ابوداود نیز به سند خود از ابوطفیل نقل کرده است که گفت: «جاءت فاطمة - رضی الله عنها - الى ابي بكرٍ يطلب ميراثها من النبي صلى الله عليه وآله. فقال ابوبكر. سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: ان الله - عز وجل - اذا اطعم نبياً طعمةً فهي للذي يقوم من بعده»؛^(۲) فاطمه برای درخواست میراث پدرش پیامبر نزد ابوبکر آمد. ابوبکر به او گفت: از پیامبر صلى الله عليه وآله شنیدم که می گفت: هرگاه خدای عزوجل چیزی را به پیامبری داد، آن برای کسی است که پس از او جانشین وی می گردد.

- بیهقی به سند خود از معمر از زهری از عروة از عایشه نقل می کند که گفت: «ان فاطمة و العباس - رضی الله عنهما - أتیا ابابکرٍ یلتماسان میراثهما من رسول الله و هما حینئذٍ یطلبان أرضه من فدک و سهمه من خیبر...»؛ فاطمه و عباس نزد ابوبکر آمدند و میراث خود از رسول خدا را طلب کردند؛ در آن موقع، زمین فدک و سهم او را از خیبر می خواستند ... سپس می گوید: «فغضب فاطمة - رضی الله عنه - و هجرته فلم تکلمه حتی ماتت فدفنها علی - رضی الله عنه - لیلاً و لم یؤذن بها ابابکر»؛^(۳) پس فاطمه بر او غضب کرد و از او دوری گزید و تا وقتی که از دنیا رفت با او سخن نگفت. پس علی علیه السلام او را شبانه دفن کرد و ابوبکر را خبر نکرد. طبری و یعقوبی نیز در کتاب تاریخ خود، مانند این روایت را نقل کرده اند.^(۴)

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج ۴، ص ۹۶.

۲. سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، قاهره، ج ۳، ص ۱۴۴.

۳. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، حیدرآباد (هند)، ج ۶، ص ۳۰۰.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، مصر، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۰۸ / احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، نجف، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۷.

۶. حمایت از ولایت و خلافت

حضرت فاطمه علیها السلام تا وقتی زنده بود برای دفاع از حق ولایت و امامت همسرش علی علیه السلام بسیار کوشا بود.

ابن ابی الحدید از احمد بن عبدالعزیز جوهری به سند او تا ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام شبانه حضرت فاطمه علیها السلام را سوار بر الاغ به در خانه انصار می‌برد و از آن‌ها یاری می‌طلبید و حضرت فاطمه علیها السلام نیز طلب یاری می‌کرد... (۱)

۷. درباره خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها

- ابن ماجه به سند خود از فاطمه بنت حسین از حسین بن علی علیه السلام از مادرش فاطمه دخت رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أَلَا لَا يَلُومَنَّ امْرَأَةَ الْأَنْفُسَةِ بَيْتُ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ عَمْرٍ»؛ (۲) آگاه باشید که شخص جز خودش را ملامت نکند آن‌گاه که بخوابد و در دستش بوی چربی باشد. کنایه از این است که اگر هنگام خواب، نظافت را رعایت نکند، قابل ملامت است. مستقیماً فاطمه علیها السلام را در حدیثی بلند از جعفر بن محمد علیه السلام از پدرانش از حضرت علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیها السلام نقل می‌کند که فرمود: «قال لي رسول الله: يا حبيبة أيتها، كل مسكراً حراماً و كل مسكراً حرم»؛ (۳) عزیز پدر! هر مست‌کننده‌ای حرام و پوشاننده (عقل) است.

احادیث مرسل از حضرت فاطمه علیها السلام

حدیث «مرسل» حدیثی است که از سلسله سند راویان آن نام یک نفر یا بیشتر حذف باشد. به عبارت دیگر، حدیثی را که تابعی مستقیماً از معصوم نقل کند «مرسل»

۱. ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۶، ص ۱۳.

۲. محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، قاهره، ج ۲، ص ۱۰۹۶.

۳. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، نجف، ۱۳۸۳، ص ۳.

می‌گویند؛ مانند حدیثی که یکی از نوادگان حضرت زهرا علیها السلام مانند فاطمه بنت الحسین علیها السلام یا یکی از بستگان، که آن حضرت را ملاقات نکرده است، مستقیماً از آن حضرت نقل کند.

- فاطمه صغری (بنت الحسین علیها السلام) از فاطمه کبری علیها السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لِكُلِّ بَنِي أُتَيْتُ عَصْبَةً يَنْتَمُونَ إِلَيْهِ إِلَّا وَلَدُ فَاطِمَةَ فَأَنَا وَإِيَّاهُمْ وَأَنَا غَضِبْتَهُمْ»^(۱) شبیه این حدیث را خطیب بغدادی از فاطمه بنت الحسین نقل کرده است.^(۲)

- همو نقل می‌کند که آن حضرت علیها السلام فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَإِذَا خَرَجَ قَالَ، مِثْلُهَا إِلَّا أَنَّهُ يَقُولُ: أَبْوَابَ فَضْلِكَ»^(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه وارد مسجد می‌شد، می‌فرمود: بارها! گناهان مرا ببامرز و درهای رحمتت را بر من بگشای، و هنگامی که خارج می‌شد، همان را می‌گفت و به جای «أبواب رحمتك» می‌فرمود: «أبواب فضلك».

- نیز خطیب بغدادی به سینه خود از عبدالله بن حسن از مادرش از فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خِيَارُكُمْ إِلَيْكُمْ مَنَاقِبُ فِي الصَّلَاةِ»^(۴) بهترین شما کسانی هستند که بهتر به جایگاه‌های نماز روی آورند.

۱. سلیمان بن احمد طبرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۴۲۳.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، او مدینه اسلام، فاهره، ج ۱۱، ص ۲۸۵.

۳. همان / محمد بن یزید قزوینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۳ / شبیه این روایت را نک: در احمد بن حنبل، پیشین، ج ۶، ص ۲۸۲.

۴. خطیب بغدادی، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۹-۵۰.

